

تحلیل تفسیری آیات پاداش رسالت

محمد رضا حاجی اسماعیلی*

داود اسماعیلی**

چکیده

قرآن کریم پیرامون درخواست پاداش رسالت پیامبران دو گونه سخن گفته است؛ برخی از آیات به نقل از پیامبران و پیامبر خاتم^ﷺ، مطالبه مزد رسالت را از جانب ایشان نفی کرده و آن را ویژه خداوند متعال به شمار آورده است و حال آنکه در برخی از آیات مانند: ۵۷ فرقان، ۴۷ سبأ و ۲۳ شوری، برای امر رسالت و پیامبری، از مردم درخواست مزد و پاداش شده است. این مقاله بر آن است تا با طرح دیدگاه مفسران قرآن در این خصوص و با تبیین این دو گروه از آیات، به رفع تعارض ظاهری آنها بپردازد و با مفهوم‌شناسی واژه مودت و قربی^۱ و بررسی پیرامون نوع استثنا در آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» و نقد ادعای نسخ آیه، این موضوع را تحلیل و بررسی نماید. پژوهشگران در پایان باورمند گردیده‌اند که پاداش رسالت پیامبر خاتم^ﷺ، همان اظهار مودت به اهل بیت پاک و مطهر ایشان است.

واژگان کلیدی

آیات مودت، مودة فی القربی^۱، پاداش رسالت، نسخ، استثنا.

m.hajis1@yahoo.com

esmaely222@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۶

*. دانشیار دانشگاه اصفهان. (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۹

طرح مسئله

در قرآن کریم آیات گوناگونی مبنی بر درخواست یا عدم درخواست پاداش رسالت از جانب پیامبران مطرح شده است. چنان که قرآن از زبان حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید:

فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ أَمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ. (یونس / ۷۲)

و اگر روی گردانیدید، من مُزدی از شما نمی‌طلبم. پاداش من جز بر عهده خدا نیست، و مأمورم که از گردن‌نهندگان باشم.

و از زبان حضرت هود علیه السلام آمده است:

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ. (هود / ۵۱)

ای قوم من، برای این [رسالت] پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم. پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده است، نیست. پس آیا نمی‌اندیشید؟

نیز در آیات متعددی از زبان حضرت نوح، هود، صالح، لوط و شعیب علیهم السلام بیان شده است که: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ (شعرا / ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰)؛ و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست». همچنین قرآن در موارد مختلفی خطاب به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ. (انعام / ۹۰)

بگو: «من، از شما هیچ مزدی بر این [رسالت] نمی‌طلبم. این [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست».

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبًّا سَبِيلًا. (فرقان / ۵۷)

بگو: «بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم، جز اینکه هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد».

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ. (سبأ / ۴۷)

بگو: «هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان! مزد من جز بر خدا نیست».

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ. (شوری / ۲۳)

بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان».

با نگاهی به این آیات این پرسش مطرح می‌شود که تعارض میان سه آیه پایانی (فرقان / ۵۷، سبأ / ۴۷ و شوری / ۲۳) با آیات پیش گفته چگونه قابل رفع می‌باشد؟

بررسی آیات

مفسران فریقین در ادوار گوناگون در پی رفع این تعارض برآمده و راه حل‌هایی ارائه داده‌اند که در ادامه به هریک از آنها اشاره خواهد شد:

یک. آیه ۵۷ سوره فرقان

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبًّا سَبِيلًا.

بگو: «بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم، جز اینکه هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد».

از دیدگاه برخی مفسران، نوع استثنا در این آیه منقطع و مفهوم آیه این است که در پیش گرفتن راه خدا و اطاعت او - که در واقع اجر نبوده و همان پذیرفتن تبلیغ پیامبر است - پاداش رسالت است. (طوسی، بی تا: ۷ / ۵۰۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۱۰۸ - ۱۰۷) این در حالی است که این استثنا با اینکه نزد گروهی دیگر از مفسران منقطع به شمار آمده ولی ایشان آیه را این گونه معنا کرده‌اند: بگو من در برابر رسالتم از شما اجری نمی‌خواهم ولی اگر کسی بخواهد صدقه‌ای در راه خدا بدهد، بدهد (و من مانع او نمی‌شوم). (الوسی، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۳۷ - ۳۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷ / ۱۴۲)

اشکالی که بر تفسیر مذکور وارد است، این است که نه در لفظ آیه دلیلی بر این دیدگاه وجود دارد و نه در سیاق آن؛ اگرچه برخی کوشیده‌اند با در نظر گرفتن کلمه‌ای در تقدیر، این اشکال را برطرف سازند و بر این باورند که اصل عبارت چنین بوده است: «إِلَّا فَعَلَ مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبًّا سَبِيلًا؛ یعنی من مزدی در برابر رسالتم نمی‌خواهم، مگر عمل کسی که بخواهد به وسیله ایمان و اطاعت به آنچه من بدان دعوت می‌کنم، راهی به سوی پروردگار خود باز کند»؛ که در حقیقت این از جنس اجر نبوده بلکه به منزله اجر قرار داده شده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۸۸)

با توجه به این تفسیر، دانسته می‌شود که مردم اطمینان داشته باشند که برای امر رسالت، به پیامبر مزدی بدهکار نبوده و پاداش رسالت، منحصر به پذیرفتن دعوت پیامبر است. تنها اشکالی که به این دیدگاه وارد است نیاز به تقدیر گرفتن است که خلاف اصل بوده و هرگاه بتوان بدون در تقدیر گرفتن، آیه را معنا کرد، شایسته‌تر است. از مفسرین معاصر، علامه طباطبایی معتقد است که در این

آیه نوع استثنا، منقطع ولی در معنای استثنای متصل است؛ یعنی در حقیقت همان کسی که راه خدا را در پیش گرفته به منزله اجر رسالت است نه عمل او: «إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» و در این تعبیر به نهایت بی‌نیازی پیامبر از اجر مالی اشاره شده و بیانگر این مطلب است که ایشان از شما غیر از پذیرفتن دعوتش و پیروی از حق، چیز دیگری نمی‌خواهد، نه مال، و نه جاه و مقام، و نه هیچ پاداش دیگر، پس از این جهت آسوده باشید و او را در خیرخواهی‌هایش متهم نکنید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۲۳۱)

دو. آیه ۴۷ سوره سبأ

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ.
 بگو: «هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان! مزد من جز بر خدا نیست، و او بر هر چیزی گواه است.»

گروهی از مفسرین، این آیه را به معنای نفی درخواست پاداش از جانب پیامبر دانسته، کنایه از اینکه من از شما در برابر دعوتم پاداشی نمی‌خواهم. از این رو با توجه به حکم این جمله، پاداشی که پیامبر به فرض تا کنون از امت خود خواسته، به ایشان بخشیده است، بنابراین دیگر مزدی به وی بدهکار نیستند و لازمه این رفتار آن است که از این به بعد هم از ایشان چیزی مطالبه نکند. منظور از این تعبیر، دلخوش ساختن امت است، تا پیامبر را متهم نکنند که دعوتش بهانه‌ای برای رسیدن به مال و یا ریاست است. مانند آنکه شخصی به دوستش بگوید: «إِنْ أَعْطَيْتَنِي شَيْئًا فَخُذْهُ؛ یعنی اگر چیزی به من دادی آن را بگیر»؛ درحالی که می‌داند دوستش به او چیزی نداده و نخواهد داد. (طباطبایی، همان: ۱۶ / ۳۸۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۴۶۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۶۲۰؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۵ / ۲۱۵) اما گروهی دیگر از مفسران در مورد واژه «ما» در این آیه دو احتمال داده‌اند:

یکی اینکه «ما»، موصوله و معنای آیه این باشد: آن اجری که از شما خواسته‌ام، به نفع خودتان است. وصول به چنین مفهومی از آیه با آیات ۵۶ سوره فرقان و آیه ۲۳ سوره شوری انطباق دارد؛ زیرا در پیش گرفتن راه خدا و مودت قریبی^۱، به سود خود مردم است.

دیگر آنکه واژه «ما»، شرطیه باشد؛ در این صورت، آیه را می‌توان دو گونه معنا نمود؛ اولی کنایه از نفی درخواست مزد همان گونه که پیش از این بیان گردید و دوم اینکه مزد رسالت - یعنی در پیش گرفتن راهی به سوی خدا و مودت قریبی^۱ - به نفع خود مردم است، همانند چیزی که درباره احتمال اول ذکر شد. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۵۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۳۲۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۹۱)

مؤید این احتمال که پاداش مورد درخواست پیامبر همان مودة فی القربی است، روایت ابن عباس است که اجر را به مودة فی القربی تفسیر کرده است (همان) و همچنین دو روایت از امام باقر علیه السلام است که در تفسیر این آیه فرمود: «وَذَلِكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سَأَلَ قَوْمَهُ أَنْ يَوَدُّوا أَقْرَبَهُ وَ لَا يُؤْذُوهُمْ ... (قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۲۰۵)؛ یعنی این پاداش همان است که پیامبر از قومش خواسته بود که نزدیکانش را دوست بدارند و آنها را آزار ندهند...» و دیگر فرمایش ایشان که فرمود: «أَجْرَ الْمَوَدَّةِ الَّذِي لَمْ أَسْأَلْكُمْ غَيْرَهُ فَهُوَ لَكُمْ تَهْتَدُونَ بِهِ وَ تَنْجُونَ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ (کلینی، ۱۳۶۲: ۸ / ۳۷۹)؛ یعنی پاداش مودتی که غیر از آن از شما چیزی نخواستیم به نفع خودتان است [چون] با آن هدایت می‌شوید و از عذاب روز قیامت رهایی می‌یابید.»

سه. آیه ۲۳ سوره شوری

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ.

این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مرده داده است. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.» و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است.

مفسران پیرامون معنای «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» احتمالاتی را مطرح کرده‌اند که به آنها اشاره می‌شود:

الف) توجه خطاب آیه به قریش: یعنی پاداشی از شما نمی‌خواهم، جز دوست داشتن من به دلیل قرابتی که بین من و شما وجود دارد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۳ / ۳۱ - ۳۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۳۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۱۸۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۹ / ۳۳۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴ / ۶۴۰؛ شنقیطی، ۱۴۱۵: ۷ / ۷۱) در تأیید این وجه، از ابن عباس روایتی این چنین نقل شده است:

سُئِلَ ابْنُ عَبَّاسٍ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» فَقَالَ سَعِيدُ بْنُ جَبْرِ قُرَيْبِي: آلُ مُحَمَّدٍ. فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: عَجَلْتَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَكُنْ بَطْنًا مِنْ قُرَيْشٍ إِلَّا كَانَ لَهُ فِيهِمْ قَرَابَةٌ فَقَالَ: إِلَّا أَنْ تَصَلُّوا مَا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ مِنَ الْقَرَابَةِ. (بخاری، ۱۴۰۱: ۴ / ۱۵۴؛ ابن حنبل، بی تا: ۱ / ۲۲۹؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ۵ / ۵۴)

ابن حجر هیثمی در کتاب *الصواعق المحرقة* درباره این روایت می‌نویسد:

به نظر می‌رسد تفسیر ابن جبیر و ابن عباس با هم تعارضی ندارد. مقصود ابن جبیر این بوده که تفسیر این آیه را مخصوص نزدیکان پیامبر و اهل بیت او کند؛ به همین دلیل ابن عباس به او نگفت اشتباه کردی بلکه گفت عجله کردی؛ چراکه مقصود آیه عام است و شامل هر دو تفسیر می‌شود. از همین روست که در جای دیگر روایتی از ابن عباس در تأیید نظر ابن جبیر وارد شده است: احمد بن حنبل و سایرین از ابن عباس نقل می‌کنند: «إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ لَمَّا نَزَلَتْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَرَابَتِكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجِبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهُمَا» یعنی وقتی این آیه نازل شد، مردم گفتند: ای پیامبر خدا، نزدیکان تو که مودت آنان بر ما واجب شده، چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسرشان. (ابن حجر هیثمی، ۱۳۰۸: ۱۰۵ - ۱۰۴)

در سند حدیث اخیر «حسین اشقر» وجود دارد که از جانب بسیاری از مفسران اهل سنت از جمله ابن کثیر به غلو و جعل حدیث متهم شده و به همین دلیل، ایشان این حدیث را رد کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۷ / ۱۸۴) ولی ابن حجر می‌نویسد: اگرچه در سند این روایت یک شیعه غالی وجود دارد ولی چون شخصی راستگوست روایتش پذیرفته می‌شود. (ابن حجر هیثمی، ۱۳۰۸: ۱۰۴)

نویسنده تفسیر *من وحی القرآن* در رد این وجه می‌نویسد:

هدف پیامبر، محبت مشرکین نسبت به خود ایشان نبود مگر اینکه وسیله‌ای برای رسیدن به محبت او به دلیل رسالتش باشد. رسیدن به چنین محبتی هم برای کافرانی که نسبت به رسالت پیامبر که همه عقاید و تقلیدها و کارهای آنها را مردود دانسته بود در نتیجه نسبت به وی احساس عقده و دشمنی می‌کردند، ممکن نبود. بنابراین، معنا ندارد که پیامبر برای رسالتش که از جانب مشرکین رد شده بود از ایشان پاداشی درخواست کند؛ چراکه آنها این رسالت را برای خود بلا می‌دانستند نه نعمت. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۰ / ۱۷۳)

وی همچنین معتقد است که نقد مذکور بر این روایت نیز وارد است لذا این روایت قابل قبول نیست. (همان: ۱۷۵)

صاحب تفسیر *من هدی القرآن* نیز ذیل این آیه می‌نویسد:

دعوت پیامبر، خالص و پاک از هر جنبه مادی و تعصب قومی بود و سزاوار نبود

که پیامبر، قومش را به اسلام دعوت کند به این خاطر که از نظر نسب به او نزدیک بودند. علاوه بر این، سایر انبیا هم معمولاً با قوم مورد دعوت خود، خویشاوند بودند ولی از هیچ یک از آنها چنین کلامی نمی‌یابیم؛ بلکه همه آنها بر این مسئله تأکید می‌کردند که هیچ اجری از قوم خود درخواست نمی‌نمایند. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۳۳۷ - ۳۳۶)

بنا بر این معنا، حرف اضافه «فی» به معنای سببیت و تعلیل است که مجاز و خلاف ظاهر است و نیاز به دلیل و قرینه دارد ولی قرینه و دلیل معتبری بر آن وجود ندارد. دیگر اینکه درخواست مودت از مشرکانی که به حضرت کافرند، هرچند به لحاظ قرابت باشد، امری است غیرمعقول و حاکی از ضعف و ذلتی برای درخواست کننده که ساحت مقدس نبی اکرم ﷺ اجل و اشرف از آن است. (بابایی، ۱۳۸۰: ۶۷ - ۶۶)

ب) توجه خطاب آیه به انصار: باورمندان به این دیدگاه برای توجیه نظر خود، شأن نزولی به این مضمون برای آیه ذکر کرده‌اند: انصار مالی را برای آن حضرت آوردند تا به مصارف شخصی خود برساند، در اینجا آیه مورد بحث نازل شد ولی رسول خدا ﷺ آن مال را رد کرد و چون رسول خدا ﷺ در بین انصار خویشاوندانی از ناحیه سلمی دختر زید نجاریه (مادر پدر بزرگش عبدالمطلب) و همچنین از جهت مادرش آمنه، داشت؛ لذا در آیه خطاب به انصار گفت: من از شما پاداش نمی‌خواهم تنها پاداش من این است که با خویشاوندان من که در بین شما هستید، مودت کنید. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۹ / ۳۳۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۳۱۰)

علامه طباطبایی در پاسخ به این دیدگاه می‌نویسد: «با توجه به گزارشات تاریخی که حاکی از شدت علاقمندی و دوستی انصار به رسول خداست این تفسیر نمی‌تواند وجهی داشته باشد؛ زیرا این علاقه و دوستی به حدی شدید بود که دیگر نیاز به سفارش نداشت و هیچ کس در آن شک و تردید نمی‌کرد. چگونه ممکن است به انصار بفرماید: من از شما مزدی نمی‌خواهم مگر مودت به خویشاوندان مادری ام (که یک خویشاوندی بسیار دور بود) درحالی که آنان از پیامبر - وقتی که در مکه بود - تقاضا کردند که به سرزمینشان مهاجرت فرماید و در مدینه او را منزل دادند و جان و مال و فرزندان خود را فدای او کردند و حتی به کسانی هم که از اهل مکه با آن جناب به مدینه آمده بودند، احسان نمودند تا آنجا که خدای سبحان در نهمین آیه سوره حشر در وصف ایشان فرمود:

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ.

و [انیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند.

توجه به این نکته لازم است که دوستی انصار با مهاجرین آن هم به این حد، تنها به دلیل علاقه آنها به رسول خدا ﷺ بود. علاوه بر این، اعراب چندان اعتنایی به خویشاوندان مادری و خویشاوندان زنان خود ندارند». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۴۴)

ج) توجه خطاب آیه به مؤمنین به دلیل تقرب به خدا: به این مفهوم که پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن تقرب به خدا؛ یعنی دوست داشته باشید که با انجام عمل صالح و اطاعت فرمان خدا، به او تقرب بجوید و به وسیله تقرب جستن به خدا به او مودت کنید. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۱۸۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۳۱۰)

بر این دیدگاه نیز اشکالاتی وارد است از جمله آنکه واژه «قربی» نزد ارباب لغت بر نزدیکی نسبی و خویشاوندی اطلاق می‌گردد نه نزدیکی به خدا. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۶۶۵؛ راغب، ۱۴۱۲: ۶۶۴) دیگر اینکه اگر واژه «قربی» به معنای تقرب باشد، «مودت» نیز باید به معنای مصدری باشد تا به دوست داشتن تقرب به خدا معنا شود و در این صورت وجه مناسبی برای کلمه «فی» وجود ندارد؛ زیرا در زبان عربی برای بیان دوست داشتن تقرب، به حرف ربط «فی» نیازی نیست و دوست داشتن در تقرب به خدا نیز معنای مناسبی نخواهد بود، مگر اینکه گفته شود منظور، دوست داشتن یکدیگر است در تقرب به خدا و انجام اعمالی که موجب قرب به خداست. این معنا را هر چند بعضی گفته‌اند، ولی مناسب با کلمه مودت نیست و در این صورت، می‌بایست کلمه «التواد» به کار می‌رفت. (بابایی، ۱۳۸۰: ۶۶)

علامه طباطبایی معتقد است که بنا بر این وجه در جمله «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» ابهامی خواهد بود که جا ندارد با آن ابهام خطاب به مشرکین شود؛ چون خلاصه مفادش این است که مردم با خدا تودد کنند و یا ود و دوستی او را داشته باشند و به این وسیله به درگاهش تقرب جویند؛ درحالی که مشرکین منکر این مسئله نبودند و خدایان خود را هم برای تقرب به خدای متعال می‌پرستیدند؛ چنان که خدای متعال در قرآن کریم از قول مشرکین آورده است که: «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» (زمر / ۳)؛ ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی‌پرستیم؛ پس اگر به گفته مفسرین مزبور معنای جمله «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» تودد نسبت به خدا از راه عبادت است، باید آن را مقید کرده باشد به عبادت خدا به تنهایی و بفرماید: شما که با پرستش بت‌ها

می‌خواهید به خدا تقرب جویند، راه تودد و تقرب این نیست بلکه راهش این است که تنها خدا را بپرستید و من از شما جز این را توقع ندارم.

همچنین در آیه شریفه، کلمه مودت آمده نه تودد و در کلام خدای سبحان سابقه ندارد که واژه «مودت» بر تودد مردم نسبت به خدای تعالی و تقرب به او اطلاق شده باشد؛ هرچند که عکس این در کلام خدای تعالی آمده و خدا را نسبت به بندگان، ودود و دارای مودت خوانده و فرموده است: «إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ» (هود / ۹۰)؛ که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان] است» و «وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ» (بروج / ۱۴)؛ و اوست آن آموزنده دوستدار [مؤمنان]؛ شاید ودود خواندن خدا از این باب باشد که واژه «مودت» بر این اشعار دارد که دارنده این صفت، خود را نسبت به افراد مورد مودت، متعهد می‌داند که مراعات حال ایشان را نموده و از حالشان تفقد کند. حتی بعضی از اهل لغت - طبق نقل راغب - گفته‌اند: مودت خدا نسبت به بندگان این است که مراعات حال ایشان را بکند. (طباطبایی، همان: ۴۶ - ۴۵)

د) توجه خطاب آیه به ارتباط مسلمانان با خویشاوندان خود: یعنی از شما بر این تبلیغ پاداشی نمی‌خواهم، جز اینکه با خویشاوندانتان صله و ارتباط و مودت داشته باشید. شیخ طوسی این دیدگاه را به نقل از برخی مفسران می‌آورد. (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۱۵۹)

این معنا نیز با ظاهر آیه کریمه که درخواست‌کننده رسول خدا ﷺ و سخن از مزد تبلیغ اوست سازگاری ندارد؛ زیرا مناسبت حکم و موضوع، اقتضا دارد که منظور از قریبی، خویشاوندان و نزدیکان پیامبر ﷺ باشد؛ زیرا مودت آنان است که مناسبت دارد اجر تبلیغ آن حضرت قرار گیرد، نه مودت هر کسی با خویشاوندان خود که «صله رحم» نامیده می‌شود. (بابایی، ۱۳۸۰: ۶۷) دیگر اینکه مودت به خویشاوندان به طور مطلق پسندیده نیست بلکه ملاک در دوستی و مودت ایمان است و مؤید آن، این آیه از قرآن:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ. (مجادله / ۲۲)

قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند - هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند - دوست بدارند. در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است.

اسلام هرگز مردم را دعوت نمی‌کند به اینکه خویشاوند خود را به خاطر اینکه خویشاوند است دوست بدارند، بلکه محبت به خویشاوندی که اسلام، بشر را به آن دعوت کرده محبت فی الله است؛ بدون اینکه مسئله خویشاوندی، کمترین دخالتی در آن داشته باشد. البته اسلام، اهتمام زیادی به مسئله قرابت و رحم دارد اما به‌عنوان صله رحم و اینکه با رحم قطع رابطه نکنند و از دادن مال خود به ارحام فقیر مضایقه ننمایند، نه به این عنوان که رحم خود را دوست بدارند؛ چون اسلام بر هر محبتی به جز محبت به خدا خط بطلان کشیده است. همچنین ما نمی‌توانیم بگوییم که مودت به قربی در آیه شریفه کنایه از همین صله رحم و احسان به ایشان و انفاق مال به آنان است چون در آیه شریفه، هیچ قرینه‌ای نیست که بر این مسئله دلالت کند. (طباطبایی، همان: ۴۵)

ه) توجه خطاب آیه به دوستی با خویشان نزدیک پیامبر: به این معنا که بر این تبلیغ پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم، جز دوستی با خویشاوندان نزدیکم.

روایات زیادی از فریقین درستی این وجه را تأیید می‌کند که به‌عنوان نمونه به چند روایت از منابع اهل سنت اشاره می‌گردد:

- روایت زاذان از امام علی علیه السلام:

فینا فی آل حم آیه [آنه] لا یحفظ مودتنا إلا کل مؤمن، ثم قرأ «لا أسألكم علیه أجرًا إلا المودة فی القربی». (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲۰۵؛ متقی هندی، ۱۹۸۹: ۲ / ۲۹۰)

درباره ما، آل حم، آیه‌ای در قرآن است که تنها مؤمنان، مودت ما را رعایت می‌کنند. سپس امام آیه مودت را تلاوت کرد.

- روایت ابو امامه باهلی از رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إن الله خلق الأنبياء من أشجار شتى و خلقت أنا و علي من شجرة واحدة، فأنا أصلها و علي فرعها، و الحسن و الحسين ثمارها، و أشياغنا أوراقها، فمن تعلق بغصن من أغصانها نجا، و من زاع هوى و لو أن عبداً عبد الله بين الصفا و المروة ألف عام ثم ألف عام ثم ألف عام حتى يصير كالشئ البالي ثم لم يدرك محبتنا أكبه الله على منجریه فی النار. ثم تلا «قل لا أسألكم علیه أجرًا إلا المودة فی القربی». (حاکم حسکانی، همان: ۲۰۳)

خداوند انبیا را از درخت‌های مختلف خلق کرد و من و علی را از یک درخت آفرید؛ من ریشه آن درخت و علی شاخه آن است و حسن و حسین میوه‌های آن

و پیروان ما برگ‌های آن درختند. هر که چنگ به یک شاخه از آن درخت بزند نجات می‌یابد و هر که توجه ننماید گمراه است. اگر بنده‌ای خدا را بین صفا و مروه سه هزار سال پرستش کند تا اینکه همچون مشکی خالی شود اما محبت ما را درک ننماید خداوند او را به صورت، در آتش اندازد. بعد این آیه را تلاوت کرد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ».

- روایت عبدالملک بن میسره زراد از طاووس از ابن عباس:

أَنَّهُ فِي قُرْبَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ. (حاکم نیشابوری، بی تا: ۲ / ۴۴۳)

این آیه درباره خویشاوندان نزدیک پیامبر است. (طبق گفته حاکم نیشابوری شرایط مسلم و بخاری هر دو بر این حدیث منطبق است).

- خطبه امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از شهادت امام علی علیه السلام:

وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ لِنَبِيِّهِ ﷺ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» فَاقْتَرَفُ الْحَسَنَةَ مَوَدَّتُنَا أَهْلِ الْبَيْتِ. (حاکم نیشابوری، بی تا: ۳ / ۱۷۲؛ طبرانی، ۱۹۹۵: ۲ / ۳۳۷ - ۳۳۶)

من از اهل بیتی هستم که خداوند مودتشان را واجب کرده است و به پیامبرش فرمود: «بگو از شما اجری نمی‌خواهم جز مودت نسبت به نزدیکانم و هر کس کار نیکی انجام دهد بر نیکی آن می‌افزاییم.» پس انجام دادن کار نیک [در این آیه] مودت ما اهل بیت است.

- روایت سعید بن جبیر از ابن عباس:

لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ نَوَدَّهُمْ؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ أَبْنَاؤُهُمَا. (ابن حنبل، ۱۴۲۹: ۱۷۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۶ / ۲۳ - ۲۲؛ شافعی، بی تا: ۲۸؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ۲ / ۱۲۰؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۴؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۴۷)

وقتی خداوند عزوجل این آیه را نازل کرد که: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» مردم گفتند: ای رسول خدا، کسانی که باید نسبت به آنها مودت داشته باشیم، کیانند؟ پیامبر فرمود: علی و فاطمه و دو پسرشان.

- از ابن عباس در باره این قسمت آیه: «وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» نقل شده است که: المودَّةُ لآلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام یعنی حسنه و نیکی، مودت نسبت به آل محمد عليه السلام است. (ابن حجر هیثمی، ۱۳۰۸: ۱۰۴؛ ابن صباغ مالکی، ۱۴۰۸: ۲۷)

در منابع شیعی هم احادیث فراوانی در این رابطه نقل شده است. برای مثال در تفسیر البرهان ۲۹ حدیث، در تفسیر نور الثقلین ۲۶ حدیث، در تفسیر فرات کوفی ۱۷ حدیث و در تفسیر صافی ۸ حدیث ذیل این آیه درباره انطباق مودة فی القربی بر دوستی و مودت نسبت به اهل بیت پیامبر عليه السلام ذکر شده است. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۸۲۴ - ۸۱۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۵۷۸ - ۵۷۰، فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۹۹ - ۳۸۸، فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۷۴ - ۳۷۲) اخبار متواتری هم که مبنی بر وجوب مودت اهل بیت و محبت آن حضرات از فریقین وارد شده، این تفسیر را تأیید می‌کند.

در مورد مصداق قربی^۱ که آیا همه خویشان پیامبرند یا عده خاصی از آنها روایاتی وارد شده است. از جمله روایت فوق الذکر مبنی بر اینکه آنها، علی، فاطمه، حسن و حسین عليه السلام هستند که در اینجا به همان روایت اکتفا می‌شود. همچنین از امامان شیعه عليه السلام روایات بسیار زیادی رسیده است که مصداق قربی^۱ را ائمه می‌داند. برای نمونه به دو حدیث اشاره می‌گردد:

- عبدالله بن عجلان از امام باقر عليه السلام نقل کرده است که درباره آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» فرمود: «هُمُ الْأَئِمَّةُ (کلینی، ۱۳۶۲: ۱ / ۴۱۳)؛ آنها ائمه عليه السلام هستند.»
- همچنین آن حضرت در روایتی فرمود: «أَقْرَبُ الْحَسَنَةِ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (مجلسی، بی‌تا: ۲۶ / ۲۵۲)؛ انجام دادن کار نیک، مودت ما اهل بیت است.»

بین این دو گونه روایات می‌توان چنین جمع کرد که مصداق قربی^۱ در زمان پیامبر عليه السلام، علی، فاطمه، حسن و حسین عليه السلام بوده است و در زمان‌های بعد، سایر ائمه عليه السلام. اگرچه طبری بر این تفسیر اشکالی وارد کرده مبنی بر اینکه اگر منظور از «مودة فی القربی» دوست داشتن اهل بیت پیامبر بود باید می‌فرمود: «مودة القربی^۱ یا بالقربی^۱ و یا ذی القربی^۱». (طبری، ۱۴۱۲: ۲۵ / ۱۷) ولی زمخشری در تفسیر کشاف در پاسخ به این اشکال بیان داشته است: اهل بیت در این آیه مکان و مقر و ظرف مودت قرار داده شده است. مانند اینکه عرب می‌گوید: «لِي فِي آلِ فُلَانٍ مَوَدَّةٌ وَ لِي فِيهِمْ هَوَى وَ حُبٌّ شَدِيدٌ» و منظورش این است که آنها را دوست دارم و مکان و محل حب و مودت من هستند. متعلق «فی القربی^۱» کلمه «مودة» نیست، به خلاف اینکه فرموده باشد: «إِلَّا الْمَوَدَّةَ لِلْقُرْبَى» که در این صورت متعلق للقربی خود کلمه مودة است و در آیه مورد بحث، «فی القربی^۱» متعلق به چیزی

می‌شود که حذف شده و تقدیر آن «إِلَّا الْمَوَدَّةَ الثَّابِتَةَ فِي الْقَرِيبِ» است؛ یعنی مگر مودتی که ثابت و مستقر در قریبی^۱ باشد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۱۶)

بیشتر لغت‌شناسان نیز مفهوم واژه مودت را به معنای محبت دانسته‌اند. چنان‌که ابن‌منظور؛ راغب اصفهانی؛ جوهری؛ ابن‌فارس و زبیدی، به این معنا اشاره کرده‌اند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۴۵۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۰؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۴۹؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۶ / ۷۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۵ / ۳۰۴) حال با توجه به استعمالات قرآنی واژه مودت نتیجه می‌شود که «مودت» نوعی دوستی است که در آن پیوستگی، وابستگی و تعهد یافت می‌شود. نشانه آن، یکی پیوند تنگاتنگ خالصانه است. چنان‌که در این آیه مشهود است:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً. (روم / ۲۱)

و از نشانه‌های او این‌که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد.

چه آنکه مودتی که بین زوجین است از نوع ارتباط خاصی است که دارای وابستگی می‌باشد. نشانه دیگر آن نداشتن دشمنی و کینه است:

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (ممتحنه / ۷)

امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که [ایشان را] دشمن داشتید، دوستی برقرار کند، و خدا تواناست، و خدا آمرزنده مهربان است.

در این آیه «مودت» عامل زدودن عداوت معرفی شده است.

معرفت نیز از لوازم دیگر مودت است، همان‌گونه که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

إِذَا آخَى أَحَدُكُمْ رَجُلًا فَلْيَسْأَلْهُ عَنِ اسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَقَبِيلَتِهِ وَمَنْزِلِهِ ... وَإِلَّا فَهُوَ مَوَدَّةٌ حَمَقَاءُ.

هرگاه یکی از شما کسی را به برادری می‌گیرد باید از او درباره نامش و نام پدرش و قبیله و منزلش بپرسد و گرنه این، دوستی احمقانه‌ای است ...

در این حدیث شناخت کسی که می‌خواهد مورد مودت و برادری قرار گیرد، لازمه مودت عاقل

دانسته شده است. در نهایت تأثیرپذیری نیز در مودت مورد توجه است. این مطلب را می‌توان از آیه ۸۲ سوره مائده برداشت کرد که خداوند می‌فرماید:

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ
مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ

مسلماناً یهودیان و کسانی که شرک ورزیده‌اند را دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت و قطعاً کسانی را که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، نزدیک‌ترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت.

برخی مفسران، دلیل مودت نصاری را پذیرش دعوت پیامبر اکرم ﷺ از سوی برخی از آنها دانسته‌اند. بنابراین بین مودت و تأثیرپذیری ملازمه وجود دارد که در آیه بعد، این‌گونه به تصویر کشیده شده است:

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ
الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. (مائده / ۸۳)

و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم پس ما را در زمره گواهان بنویس.

خلاصه آنکه مودت، محبتی است که در آن، معرفت و تأثیرپذیری از محبوب یافت می‌شود. (آریان فر، ۱۳۸۵: ۱۷۶ - ۱۷۴)

بررسی موضوع اعتقاد به نسخ در آیه مودت

سیوطی در الدر المشهور از ابن ابی حاتم و ابن مردویه از طریق ضحاک از ابن عباس روایتی به این مضمون نقل کرده است که آیه مذکور در مکه، زمانی که مشرکین پیامبر را آزار می‌دادند، نازل شد و خدای متعال از پیامبر خواست که به آنها بگوید هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم به جز اینکه به خاطر خویشاوندی‌ای که با شما دارم مرا آزار ندهید. سپس هنگامی که پیامبر به مدینه هجرت نمود، ایشان را از این جهت که مطالبه مزد رسالت نمی‌نماید به دیگر پیامبران ملحق کرد و این آیه را منسوخ نمود. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶ / ۶) همچنین ثعلبی در الکشف و البیان و بغوی در معالم التنزیل گفته‌اند:

گروهی می‌گویند وقتی پیامبر به مدینه هجرت فرمود خدا این آیه را با آیات

«قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ؛ بگو: هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان! مزد من جز بر خدا نیست، و او بر هر چیزی گواه است.» (سبأ / ۴۷)، «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ؛ بگو: مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی‌کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم [و به خدا نسبت دهم]» (ص / ۸۶)، «وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ؛ و تو بر این [کار] پاداشی از آنان نمی‌خواهی. (یوسف / ۱۰۴)، «أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ؛ یا از ایشان مزدی مطالبه می‌کنی؟ و مزد پروردگارت بهتر است» (مؤمنون / ۷۲)، و «أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ؛ آیا از آنها مزدی مطالبه می‌کنی و آنان از [تعهد ادای] تاوان گرانبارند؟» (طور / ۴۰؛ قلم / ۴۶)، نسخ نمود.

ثعلبی و بغوی، سپس پاسخ داده‌اند که این دیدگاه، قوی نیست و این آیه نمی‌تواند منسوخ باشد؛ زیرا تقرب به خدا با طاعت او و مودت پیامبر و اهل بیت او نسخ بردار نیست. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۳۱۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۴۵)

مبنای این دیدگاه آن است که گذشتگان به محض احساس وجود گونه‌ای از تعارض ظاهری بین دو آیه، حکم به نسخ یکی از آنها می‌دادند؛ درحالی که نسخ شرایطی دارد از جمله اینکه امکان جمع بین دو آیه وجود نداشته باشد؛ درحالی که در مسئله مورد بحث امکان جمع وجود دارد. شرط دیگر نسخ، این است که آیه ناسخ بعد از آیه منسوخ نازل شده باشد؛ درحالی که همه آیاتی که پیش از این، از آنها به‌عنوان ناسخ یاد گردید، مکی هستند ولی آیه مودت مدنی است. (آریان فر، ۱۳۸۵: ۱۷۳) اگرچه در تفاسیر از سوره شوری به‌عنوان سوره مکی یاد شده است ولی براساس روایت ابن عباس، چهار آیه از آن از «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» تا سه آیه بعد از آن مدنی است. همچنین قولی از مقاتل نقل شده مبنی بر اینکه آیات ۲۲ و ۲۳ مدنی هستند. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۹ / ۳۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۳ / ۱۱) پر واضح است که روایات اخیر، تخصیص زننده قول عامی هستند که سوره شوری را مکی می‌داند.

بررسی نوع استثنا در آیه مودت

گروهی از مفسرین، استثنای این آیه را منقطع دانسته و برآنند که «مودة فی القربى» از جنس «اجر» نیست و خداوند می‌فرماید: بگو برای رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم ولی «مودة فی القربى» را می‌خواهم. (اندلسی، همان: ۳۳۵؛ آلوسی، همان: ۳۱؛ طبری: ۱۴۱۲: ۱۷ / ۲۵) اما دیدگاه دیگر - بنابر نقل

شیخ طوسی - منظور آیه را این می‌داند که: «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا لَكِنَّ أَدَّكَرُّكُمْ الْمَوَدَّةَ فِي قَرَابَتِي؛ از شما اجری بر رسالتم نمی‌خواهم ولی مودت به خویشانم را به شما یادآوری می‌کنم». (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۱۵۸) گرچه این وجه می‌تواند برای حل تعارض این آیه با سایر آیات، مشکل‌گشا باشد ولی باید توجه داشت که در زبان عربی، اصل بر استثنای متصل است و اگر بتوان به نحوی استثنا را متصل گرفت - همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد - دیگر حکم به استثنای منقطع جایز نیست.

برخی دیگر از مفسرین، استثنای موجود در آیه را متصل به شمار آورده‌اند به این معنی که مودت خویشان پیامبر از جنس پاداش است ولی نه پاداش و مزد واقعی بلکه از نظر اهمیت در حکم پاداش قرار گرفته است. ایشان در این باره به طرح سه دیدگاه پرداخته‌اند:

۱. صله رحم و رسیدگی به خویشاوندان در اسلام واجب است و چون خویشان و نزدیکان پیامبر، خویشاوندان مسلمانان هم محسوب می‌شوند پس مودت نسبت به ایشان واجب است و ثواب آن به نفع خود مردم است نه پیامبر، ولی از لحاظ اهمیت در حکم پاداش قرار داده شده است. (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۱۵۸؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۵۹۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۴۴)

۲. پیامبر از آنها پاداش دنیوی درخواست نکرد بلکه پاداشی که از آنها خواست، دوست داشتن نزدیکی به خدا و بندگان کامل او (انبیا و همچنین اقریبای پیامبر اسلام) بود که خداوند با آنها سخن گفته و آنها را برای کامل شدن مردم فرستاده است. بنابراین، آیات نفی درخواست پاداش توسط پیامبر، مربوط به پاداش دنیوی است و این آیه قول عامی است که چیزی از آن استثنا شده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۸ / ۲۲۰)

۳. مودت اهل بیت، دخیل در ایمان است و بدون آن ایمان پذیرفته نیست و همچنین ضامن بقا و دوام دعوت پیامبر است؛ بنابراین خدا به پیامبر امر کرده که مودت اهل بیت را اجر رسالت خویش قرار دهد تا مردم بعد از پیامبر آنها را مرجع دینی، علمی و سیاسی قرار دهند. این مطلب از این آیه و همچنین از آیات دیگری مثل آیه تطهیر و احادیثی مانند حدیث ثقلین و غیر آن دانسته می‌شود. (طیب، ۱۳۷۸: ۱۱ / ۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۴۸ - ۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۴۰۶؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۳۳۵)

این وجه برای حل این تعارض، بسیار درست و کامل به نظر می‌رسد ولی پرسش این است که چرا مفسران، «مودة فی القربی» را که همان پاداش پیامبر قرار داده شده به معنای واقعی پاداش نگرفته و برای تفکیک معنای آن از پاداش رسالت خود را به تکلف انداخته‌اند. همان‌گونه که در ادامه، آیات را یک به یک بررسی خواهیم کرد آیات نفی کننده درخواست پاداش رسالت توسط

پیامبران و از جمله پیامبر اسلام همگی خطاب به مشرکان و کافران و مخالفان پیامبران است و این گونه آیات در مورد پیامبر خاتم، در آغاز رسالت ایشان و در مکه نازل شده است. بدیهی است که درخواست پاداش از کسانی که هنوز ایمان نیاورده و مخالفت می‌ورزند و حتی برای از بین بردن پیامبر و خاموش کردن دعوت او تلاش می‌کنند، کار پسندیده‌ای نیست. به گونه‌ای که حتی عدم درخواست پاداش در قرآن به عنوان یکی از نشانه‌های پیامبران الهی شمرده شده تا مردم بتوانند آنها را از پیامبران دروغین که به دنبال کسب محبوبیت، قدرت و ثروت هستند، باز شناسند. چنان که وقتی در سوره یس، سخن شخص مؤمنی را ذکر می‌کند که قومش را به پذیرفتن دعوت پیامبران الهی دعوت می‌کند، از زبان او می‌فرماید: «تَبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ؛ از کسانی که پاداشی از شما نمی‌خواهند و خود [نیز] بر راه راست قرار دارند، پیروی کنید.» (یس / ۲۱)

بررسی آیات نفی کننده پاداش رسالت

آیات نفی پاداش رسالت پیامبران را در یک نگاه کلی می‌توان به دو دسته تقسیم و مورد بررسی قرار داد:

۱. آیات مربوط به پیامبران پیش از حضرت محمد ﷺ

یک. حضرت نوح ﷺ

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ. (یونس / ۷۲)

و اگر روی گردانیدید، من مُزدی از شما نمی‌طلبم. پاداش من جز بر عهده خدا نیست، و مأمورم که از گردن نهندگان باشم.

همان گونه که از سیاق آیه پیداست مخاطبان حضرت نوح ﷺ در این آیه، مخالفان ایشان و کافران بوده‌اند نه مؤمنان. به خصوص که در آیه بعد می‌فرماید: «فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ...؛ پس او را تکذیب کردند آن گاه وی را با کسانی که در کشتی همراه او بودند نجات دادیم.» (یونس / ۷۳)

همچنین در آیه‌ای دیگر از قول حضرت نوح ﷺ آمده است: «وَا يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ... و ای قوم من، بر این [رسالت] مالی از شما درخواست نمی‌کنم. مُزد من جز بر عهده خدا نیست.» (هود / ۲۹)

در این آیه به روشنی مصداق پاداش مشخص شده که مال و اجر مادی است. در این آیه نیز مخاطبین، کافران هستند؛ زیرا در آیات قبل از آن می‌فرماید: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ ...؛ پس، سران قومش که کافر بودند، گفتند: ...» (هود / ۲۷) و در ادامه حضرت نوح علیه السلام درصدد پاسخ‌گویی به این کافران است.

قرآن در جایی دیگر از قول ایشان می‌فرماید: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست.» (شعراء / ۱۰۹) خطاب این آیه نیز منکران نبوت حضرت نوح علیه السلام است؛ زیرا در ادامه، قرآن کریم می‌فرماید:

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي قَوْلِي كَذَّبُونَ * فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * فَأَنْجِنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ * ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ. (شعراء / ۱۲۰ - ۱۱۶)

گفتند: «ای نوح، اگر دست برنداری قطعاً از [جمله] سنگسارشدگان خواهی بود.» گفت: «پروردگارا، قوم من مرا تکذیب کردند. میان من و آنان فیصله ده، و من و هر کس از مؤمنان را که با من است نجات بخش.» پس او و هر که را در آن کشتی آکنده با او بود، رهانیدیم. آن گاه باقیمانده‌گان را غرق کردیم.

دو. حضرت هود علیه السلام

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ الَّذِي فَطَرَنِي ... (هود / ۵۱)
ای قوم من، برای این [رسالت] پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم. پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده است، نیست.

از ظاهر این آیه و آیات بعد، به نظر می‌رسد که مخاطب این آیه نیز مخالفان حضرت هود باشند؛ چراکه قرآن کریم سخن آنها را این‌گونه نقل می‌کند: «... قَالُوا يَا هُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ؛ ای هود، برای ما دلیل روشنی نیاوردی، و ما برای سخن تو دست از خدایان خود برنمی‌داریم و تو را باور نداریم.» (هود / ۵۳)

قرآن در آیه‌ای دیگر از قول ایشان می‌فرماید: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست.» (شعراء / ۱۲۷)

مورد خطاب در این آیه نیز مانند آیات پیشین کافران هستند؛ چون در ادامه، قرآن کریم می‌فرماید:

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ * إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ *
وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ * فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ ... (شعراء / ۱۳۹ - ۱۳۶)

گفتند: «خواه اندرز دهی و خواه از اندرز دهندگان نباشی برای ما یکسان است. این جز شیوه پیشینیان نیست و ما عذاب نخواهیم شد.» پس تکذیبش کردند و هلاکشان کردیم.

سه. حضرت صالح علیه السلام

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (شعراء / ۱۴۵)

قرآن در ادامه درباره گفتگوی حضرت صالح علیه السلام و منکران رسالت او و همچنین عاقبت آنان می‌فرماید:

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ * مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ * قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ * وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ * فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ * فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ... (شعراء / ۱۵۸ - ۱۵۳)

گفتند: «قطعاً تو از افسون‌شدگانی. تو جز بشری مانند ما [بیش] نیستی. اگر راست می‌گویی معجزه‌ای بیاور.» گفت: «این ماده شتری است که نوبتی از آب او راست و روزی معین نوبت آب شماس است و به آن گزندی مرسانید که عذاب روزی هولناک شما را فرومی‌گیرد.» پس آن را پی کردند و پشیمان گشتند. آنگاه آنان را عذاب فروگرفت.

چهار. حضرت لوط علیه السلام

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (شعراء / ۱۶۴)
و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست.

قوم لوط علیه السلام او را تهدید کردند که اگر از دعوت خود و بازداشتن آنها از کارهای زشت، دست

برندارد، او را از سرزمینش اخراج خواهند کرد، لوط هم از خداوند تقاضای رهایی خود و اهلش را کرد و خداوند پس از نجات آنان، عذابی مرگبار بر قوم او فرود آورد و سرنوشت آنها این‌گونه شد: «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ؛ و بر [سر] آنان بارانی [از آتش گوگرد] فرو ریختیم. و چه بد بود باران بیم‌داده‌شدگان». (شعراء / ۱۷۳)

پنج. حضرت شعیب علیه السلام

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (شعراء / ۱۸۰)
و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار
جهانیان نیست.

این آیه، سخن حضرت شعیب علیه السلام خطاب به تکذیب‌کنندگان اوست، به این دلیل که در آیات بعد،
قرآن کریم می‌فرماید:

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ * وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ *
فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ * قَالَ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ *
فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ. (شعراء / ۱۸۹ - ۱۸۵)
گفتند: «تو واقعاً از افسون‌شدگانی. و تو جز بشری مانند ما [بیش] نیستی، و
قطعاً تو را از دروغگویان می‌دانیم. پس اگر از راستگویانی، پاره‌ای از آسمان بر
[سر] ما بیفکن.» [شعیب] گفت: «پروردگارم به آنچه می‌کنید داناست.»
پس او را تکذیب کردند، و عذاب روز ابر [آتشبار] آنان را فرو گرفت. به راستی
آن، عذاب روزی هولناک بود.

۲. آیات مربوط به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

یک. آیه ۴۰ سوره طور و ۴۶ سوره قلم

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ.

آیا از آنها مزدی مطالبه می‌کنی و آنان از [تعهد ادای] تاوان گرانبارند؟

این آیه در هر دو سوره دارای یک پیام است و آن اینکه از پیامبر سؤال می‌کند: چرا این مشرکان
دعوت تو را نمی‌پذیرند و به تو ایمان نمی‌آورند، نکند از آنها در برابر پیامبری خود اجری خواسته‌ای

که پرداخت آن بر ایشان سخت و سنگین است.

البته این استفهام انکاری است به این معنا که هرگز از آنها اجری نخواسته‌ای، پس چرا ایمان نمی‌آورند؟

دو. آیه ۱۰۴ سوره یوسف

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ.

و تو بر این [کار] پاداشی از آنان نمی‌خواهی. آن [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست.

با نگاهی به آیات قبل و بعد درمی‌یابیم که مرجع ضمیر مذکر غایب (هُم) مشرکین است؛ زیرا در آیه پیشین آن چنین آمده است: «وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ؛ و بیشتر مردم - هرچند آرزومند باشی - ایمان آورنده نیستند.» (یوسف / ۱۰۳) و در آیات پس از آن آمده:

وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ * وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ * فَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ. (یوسف / ۱۰۷ - ۱۰۵)

و چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین است که بر آنها می‌گذرند درحالی‌که از آنها روی برمی‌گردانند و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند جز اینکه [با او چیزی را] شریک می‌گیرند. آیا ایمنند از اینکه عذاب فراگیر خدا به آنان دررسد، یا قیامت - درحالی‌که بی‌خبرند - بناگاه آنان را فرا رسد؟

سه. آیه ۵۷ سوره فرقان

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا.

بگو: «بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم، جز اینکه هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد.»

در این آیه، مرجع ضمیر مخاطب (كُم) مخالفان پیامبر است و نه مؤمنان، به این دلیل که در آیه ۵۵ می‌فرماید: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا (فرقان / ۵۵)؛ و غیر از خدا چیزی را می‌پرستند که نه سودشان می‌دهد و نه زیانشان می‌رساند و کافر همواره در برابر پروردگار خود هم پست [شیطان] است.» و در آیه ۶۰ می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا

لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا (فرقان / ۶۰)؛ و چون به آنان گفته شود: «[خدای] رحمان را سجده کنید»، می‌گویند: «رحمان چیست؟ آیا برای چیزی که ما را [بدان] فرمان می‌دهی سجده کنیم؟» و بر رمیدنشان می‌افزاید.

چهار. آیه ۴۷ سوره سبأ

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ.

بگو: «هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان! مزد من جز بر خدا نیست.»

ضمیر مخاطب این آیه نیز به مشرکان برمی‌گردد همان کسانی که آیه ۴۳ درباره ایشان می‌فرماید:

وَإِذَا تَلَّيْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَتْ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِنْكَافُوتٌ وَمُفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ. (سبأ / ۴۳)

و چون آیات تابناک ما بر آنان خوانده می‌شود می‌گویند: «این جز مردی نیست که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند باز دارد.» و [نیز] می‌گویند: «این جز دروغی برافته نیست.» و کسانی که به حق - چون به سويشان آمد - کافر شدند می‌گویند: «این جز افسونی آشکار نیست.»

پنج. آیه ۹۰ سوره انعام

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ.

بگو: «من، از شما هیچ مزدی بر این [رسالت] نمی‌طلبم. این [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست.»

در مورد ضمیر مخاطب (کُم) این آیه نشانه‌ای وجود ندارد که به چه کسانی برمی‌گردد. البته امکان دارد منظور آنان باشند که در آیه بعد این‌گونه توصیف شده‌اند: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا مِنْ شَيْءٍ؛ (انعام / ۹۱) خدا را آن‌چنان که باید نشناختند، چراکه گفتند او بر هیچ انسانی چیزی نازل نکرده است.»

به هر حال از آنجا که سوره انعام مکی است و در مورد این آیه هم هیچ قولی وجود ندارد که مدنی باشد، باید آیه را مکی به‌شمار آورد و در آیات مکی نیز معمولاً مخاطب، مشرکان هستند.

شش. آیه ۸۶ و ۸۷ سوره ص

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ * إِنَّهُ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ.
 بگو: «مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی‌کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم [و به خدا نسبت دهم]. این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست.»

در سوره ص در ابتدا از کافران و کفر و مخالفت آنان با پیامبر سخن می‌گوید و سپس آنها را ادامه دهنده راه کافران اقوام پیشین همچون عاد و ثمود می‌نامد و در ادامه، پیامبر را دلداری می‌دهد و به ایشان خطاب می‌کند که صبر کن و پیامبران پیشین را به یاد آور. سپس داستان حضرت داود، سلیمان و ایوب علیهم‌السلام را ذکر می‌کند و پس از آن داستان تمرد ابلیس از سجده بر آدم علیه‌السلام را متذکر می‌شود و در آیه ۸۶ می‌فرماید: «به این کافران بگو من از شما برای رسالتم هیچ پاداشی نمی‌خواهم.» پرواضح است که مخاطبان این آیه نیز کافران و مشرکان هستند.

۳. مودت اهل بیت به مثابه پاداش رسالت

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ. (شوری / ۲۳)

این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.» و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است.

در سیاق آیات قبل و بعد از این آیه سخن از افراد با ایمان است؛ از این رو می‌توان گفت ضمیر خطاب (کُم) به مؤمنان بر می‌گردد؛ حتی اگر این هم نادیده گرفته شود - همان گونه که قبلاً گفته شد - این آیه از سوره شوری، مدنی است و در آیات مدنی معمولاً خطاب مربوط به مؤمنان است مگر اینکه قرینه‌ای وجود داشته باشد که براساس آن بتوان ادعا کرد آیه درباره یهودیان یا منافقان سخن می‌گوید و در این آیه چنین قرینه‌ای وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مخاطب قول پیامبر، مؤمنان هستند.

از سویی درباره «ال» در «القربی» دو احتمال وجود دارد: نخست اینکه «ال» عوض از مضاف الیه و تقدیر آن «قربایی» است؛ یعنی برای تبلیغ رسالت مزدی از شما نمی‌خواهم جز دوستی با خویشان و اهل قرابت. بنابراین وجه واژه «قربی» مصدر به معنای فاعل است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۵ / ۲۹۵) و احتمال دیگر اینکه منظور از «قربی» «اهل قربی» باشد که در این حالت مضاف محذوف است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۲۰)

صاحب تفسیر الفرقان می‌گوید:

بدون تردید معلوم است که مخاطب این آیه مؤمنانی هستند که در آیه قبل به آنها بشارت بهشت داده شده نه مشرکان؛ زیرا عاقلانه نیست که از منکران اصل رسالت برای این دعوت مطالبه پاداش شود. سخن دیگر اینکه آیا ممکن است [طبق گفته برخی مفسرین] پیامبر در برابر رسالتش از مردم بخواهد که او را به خاطر خویشاوندیش با آنان دوست بدارند در حالی که همه آنها از خویشاوندان پیامبر نبودند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۶ / ۱۷۵)

با توجه به نکات پیش گفته می‌توان با ارائه دیدگاهی نوین بیان کرد که درست است که درخواست پاداش از مردم توسط پیامبران در جریان دعوتشان صحیح نیست؛ زیرا ممکن است موجب بدبینی و عدم پذیرش از سوی مردم شود و همچنین این عدم درخواست پاداش، نشانه‌ای برای تشخیص پیامبران راستین است که به دنبال مطالبه پاداش و مال از مردم نیستند ولی بعد از اینکه مردم، دین الهی و رسالت پیامبر را پذیرفتند چه اشکالی دارد چیزی که ضامن ادامه رسالت پیامبر بعد از وفات او است به‌عنوان پاداش رسالت وی قرار داده شود. با توجه به اینکه مسلمانان همواره درصدد آن بودند که زحمتهای پیامبر در تبلیغ رسالت را جبران کنند و از ایشان می‌خواستند چیزی به‌عنوان پاداش از آنها قبول کند. (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۹۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶ / ۶؛ طبرانی، ۱۹۹۵: ۴۹ / ۶؛ هیثمی، ۱۹۸۸: ۷ / ۱۰۳)

افزون بر اینکه به دلیل شواهد انکارناپذیر تاریخی، حضرت محمد ﷺ، آخرین پیامبر الهی همواره و در موارد مختلف درباره جانشینی و مرجعیت علمی و سیاسی امام علی و ائمه معصومین ﷺ پس از خود سخن گفته و در این آیه برای استحکام این مسئله، مودت ائمه معصومین ﷺ به‌عنوان پاداش رسالت پیامبر ﷺ پیشنهاد گردیده است.

نتیجه

در نگاه اول به آیات ۵۷ سوره فرقان، ۴۷ سوره سبأ و ۲۳ سوره شوری به نظر می‌رسد بین این آیات

که هر کدام به نوعی در برابر رسالت پیامبر از مردم درخواست پاداش کرده‌اند با آیات نفی کننده مطالبه پاداش رسالت تعارض وجود دارد ولی پس از بررسی دانسته شد که معنای دو آیه اول به همان عدم مطالبه پاداش برمی گردد. البته براساس یک دیدگاه، برگشت معنای آیه دوم (سبأ / ۴۷) به آیه مودت است؛ اما درباره آیه مودت پس از بررسی اقوال مفسرین مشخص گردید که مودة فی القربی به معنای دوست داشتن خویشاوندان نزدیک پیامبر است که مصداق آن در روایات اهل سنت امام علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام تعیین شده و در روایات شیعه پس از آن بزرگواران، سایر ائمه معصومین قرار داده شده‌اند؛ همچنین پس از جستجو در اقوال و آراء مفسرین درباره این آیه به سه نظریه نسخ، استثنای منقطع و استثنای متصل - با حکم به اجر حقیقی نبودن مودة فی القربی^۱ - مواجه گردیده که بر هر کدام به گونه‌ای اشکالی وارد است. در پایان با بررسی مجدد آیات نفی کننده مطالبه پاداش رسالت بیان شد که مودة فی القربی^۱ پاداش حقیقی رسالت پیامبر است.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن الصباغ مالکی، علی بن محمد، ۱۴۰۸ ق، الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن اسدی حلّی، ۱۴۰۷ ق، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الکتب العربیة.
- ابن حجر هیثمی، شهاب‌الدین احمد، ۱۳۰۸ ق، الصواعق المحرقة فی رد اهل البدع و الزندقة، بی جا، مطبعة العامرة الشرفیة.
- ابن حنبل، احمد، ۱۴۲۹ ق، فضائل اهل البيت من کتاب فضائل الصحابة، با تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی.

- ابن کنبل، احمد، بی تا، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ١٤٢٢ ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد، ١٤٠٤ ق، *معجم مقاییس اللغة*، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، ١٤١٩ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ١٤١٤ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چ سوم.
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، ١٤٢٠ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ١٤٠١ ق، *صحیح البخاری*، استانبول، دار الفکر.
- بغوی، حسین بن مسعود، ١٤٢٠ ق، *معالم التنزیل (تفسیر البغوی)*، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ترمذی، محمد بن عیسی، ١٤٠٣ ق، *سنن الترمذی*، بیروت، دار الفکر، چ دوم.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ١٤٢٢ ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ١٤٠٧ ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، به کوشش احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.
- حاکم حسکانی، ابن حذاء عبیدالله بن عبدالله، ١٤١١ ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت (علیهم السلام)*، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، بی تا، *المستدرک للصحیحین*، بیروت، دار المعرفة.
- رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر، ١٤٢٠ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ سوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ١٤١٢ ق، *مفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق و بیروت، الدار الشامیة و دار العلم.

- زبیدی، محمد مرتضی الحسینی الواسطی، ۱۴۱۴ ق، تاج العروس، بیروت، دار الفکر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی، چ سوم.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شافعی، محمد بن طلحه، بی تا، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول ﷺ، به کوشش ماجد ابن احمد العطیة، بی جا، بی نا.
- شنیطی، محمد الامین، ۱۴۱۵ ق، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، بیروت، دار الفکر.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چ دوم.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۹۹۵ م، المعجم الاوسط، بی جا، دار الحرمین.
- طبرسی، فضل بن الحسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، چ سوم.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر آی القرآن، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، تفسیر فرات الکوفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، چ دوم.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران، صدر.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ششم.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب، چ چهارم.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ ق، ینابیع المودة لذوی القربی، بی جا، دار الاسوه.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، الکافی، تهران، اسلامیه، چ دوم.
- متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، ۱۹۸۹ م، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، به

۷۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، س چهارم، تابستان ۹۲، ش ۱۴

کوشش بکری حیانی و تصحیح صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة.

- مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تهران، اسلامیه.

- مدرسی، سید محمدتقی، ۱۴۱۹ ق، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین عليه السلام.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

- هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر، ۱۹۸۸ م، مجمع الزوائد، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ب) مقاله‌ها

- آریان فر، مهدی، ۱۳۸۵، پاداش رسالت، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۶ و ۴۷، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی.

- بابایی، علی‌اکبر، ۱۳۸۰، پژوهشی در آیه مودت، ماهنامه معرفت، شماره ۴۸، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.